

## پاسخ به نقد مقاله

# «نگرشی نو بر ملاک سفر شرعی»

○ سیدهدایت‌الله طالقانی

مقاله «نگرشی نو بر ملاک سفر شرعی» در شماره ۵۳ (بهار ۱۳۸۷) مجله فقه اهل بیت (ع) به چاپ رسید. در شماره ۵۶ همین مجله نقدی بر آن مقاله به قلم آقای مهدی فتحی نیا منتشر شد.

با تشکر از توجه ناقد محترم نقد ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهیم: تمام نقد پیرامون این است که ملاک «یک روز» است یا یک «شبانه روز». در این رابطه در سه محور، مطالبی ایراد شده است: پیکره اصلی نقد، در باره روایت زکریا بن آدم و نحوه جمع این روایت و دیگری روایات است.

ناقد، روایت زکریا بن آدم را به دو دلیل فاقد حجت دانسته‌اند: دلیل اول: «اعراض علمای متقدم و متأخر».

دلیل دوم: «امکان حمل این روایت بر تقیه»<sup>۱</sup>.

اعراض علما: برای اثبات اعراض فرموده اند: «اولاً این روایت را فقط جناب شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده است و ثانیاً هیچ کدام از فقها و حتی خود شیخ صدوق به شهادت کتاب شریف المقنع طبق آن فتوا نداده است.»  
ناقد محترم دلیل اول اعراض را این دانسته که این روایت فقط در کتاب من لا یحضره الفقیه آمده است. باید توجه داشت که هیچ کس قائل به این نیست که اگر روایتی فقط در یک مصدر آمده باشد، دلیل اعراض است و اگر چنین تصویری درست باشد، روایات فراوانی از دور خارج می شوند.

دلیل دوم اعراض نیز ناصواب است، چرا که:

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه، کتاب روایی نیست، بلکه کتاب فتوایی است، خود شیخ صدوق در ابتدای کتاب (ص ۳) فرموده است:

صنف هذا الكتاب بحذف الاسانید لثلا نکثر طرقة وإن کثرت فوائدہ و لم اقصد فیہ قصد المصنفین فی ایراد جمیع ما روه، بل قصدت إلی ایراد ما افتی به و احکم بصحته و اعتقدت فیہ أنه حجة فیما بیني و بین ربی تقدس ذکره و تعالت قدرته.

ب- فتاوی این کتاب ناظر به کتب پیشین از اکابر قوم بوده است، به تصریح خود مؤلف که فرموده است: «و جمیع ما فیہ مستخرج من کتب مشهوره، علیها المعول و إليها المرجع».

ج- من لا یحضره الفقیه بعد از مقنع نوشته شده، چرا که تألیف آن در سال های ۳۶۸ تا ۳۷۲ (نه سال قبل از وفات مؤلف بوده است).<sup>۳</sup>

براین اساس، اگر شیخ صدوق در مقنع فتوایی در این خصوص داده باشد، نظرش تغییر کرده و در آخرین کتاب فتوایی خود، بر اساس حدیث زکریا بن آدم

۱. این دلیل با عبارت «علاوه بر اینها» بیان شده است.

۲. الهدایه، مؤسسه امام الهادی، ص ۲۰۰.

فتوی داده و به آن عمل کرده است.

با این وصف چگونه می توان ادعا کرد که کسی - حتی خود شیخ صدوق - به

روایت زکریابن آدم فتوا نداده است؟

از سویی دیگر، با توجه به شرایط آن زمان که مسیر یوم و یا مسیر یوم و لیلۃ

همان هشت فرسخ بوده، عمل نکردن و فتوا ندادن فقها به مدلول روایت زکریابن

آدم، به معنای اعراض نبوده است.

### حمل بر تقیه

دلیل دوم ناقد محترم برای عدم حجیت صحیحه زکریابن آدم، «امکان حمل این

روایت بر تقیه» است و فرموده اند: «این روایت [صحیحه زکریابن آدم] با روایات دیگری

که از ائمه به دست ما رسیده است، مخالف و با فتاوی اهل سنت موافق است».

آیا صحیحه فضل بن شاذان<sup>۳</sup> از امام رضا(ع) که فقره دوم آن هم مضمون با

روایت زکریابن آدم است، از روایات اهل بیت نیست؟ اما در مورد ادعای موافقت

روایت زکریابن آدم با فتاوی اهل سنت باید گفت:

اولاً: در قول مخالفین خصوصاً نظر شافعی طبق مدارکی که ناقد محترم ارائه

کرده اند<sup>۴</sup> تناقض هست، چرا که طبق نقل «الفقه علی المذاهب الاربعه» نظر شافعی مثل

مذاهب دیگر بر شانزده فرسخ است، ولی طبق نقل تذکره الفقها، «یوم و لیلۃ» است. ابتدا

باید نظر شافعی مبنی بر شبانه روز ثابت گردد تا بتوان از موافقت با آن استفاده تقیه نمود.

در منابع خود اهل سنت نظر شافعی مثل مذاهب دیگر بر شانزده فرسخ نقل

شده است:

۱ - در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه<sup>۵</sup> آمده است: یشرط لصحة قصر

۳. مذکور در مجله فقه اهل بیت(ع)، شماره ۵۳، ص ۱۱۹ و ص ۱۳۲.

۴. مجله فقه اهل بیت(ع)، شماره ۵۶، ص ۲۱۲ و ۷.

۵. تألیف عبدالرحمن الجزیری، چاپ مصر، ج ۱، ص ۴۷۲.

الصلوة شروط: منها أن يكون السفر مسافة تبلغ ستة عشر فرسخاً ذهاباً فقط... و تقدير المسافة بهذا متفق عليه بين الائمة الثلاثة ما عدا الحنفية و يقدر الشافعية هذه المسافة بمرحلتين و المرحلة عندهم ثمان فراسخ .

۲- در کتاب فقه الامام ابو حنیفه<sup>۶</sup> آمده است: نظر ابو حنیفه: «مسافته مسیره ثلاثة ايام» و نظر مالکی، شافعی و حنبلی: «عدم جواز القصر فی سفر مسافته اقل من مرحلتین» است .

ثانیاً: بر فرض صحت ادعای مذکور باز زمینه ای برای تقیه و وجود نداشته است، چرا که در آن عصر مذهب حنفی مذهب رسمی حکومت بود و از سوی حکومت ترویج می شد، تا جایی که حتی بسیاری از شافعی ها به مذهب حنفی گراییدند<sup>۷</sup>.  
 روایت مذکور موافق مذهب غالب و رسمی آن زمان نبود تا موجبی برای حمل آن تقیه و وجود داشته باشد .

بر اساس آنچه گذشت، همه دلایل و قرائن ناقد محترم برای اثبات عدم حجیت صحیحہ زکریا بن آدم مخدوش و ناتمام است .

#### بررسی دلالی روایت

در بررسی دلالی دو مطلب بیان شده است: مطلب اول اینکه «او» در جمله «مسیر یوم و لیلة» به معنای «او» می باشد. در این صورت مراد جمله این است: «مسیر یوم او لیلة». این مطلب با وضعیت سیر کاروان ها سازگار است؛ چرا که در قدیم، کاروان ها در انتخاب شب یا روز برای حرکت متفاوت بودند، اما در هر صورت به یک مقدار می توانستند طی طریق کنند. البته تنها قرینه ای که بر این مطلب وجود دارد، کثرت روایاتی است که «مسیر یوم» یا «بیاض یوم» را مطرح کرده اند.

۶. تألیف سعید بن المسیب، چاپ بغداد، ج ۲، ص ۳۸ و ۴۰.

۷. امام صادق(ع) و مذاهب اربعه، تألیف اسد حیدر، چاپ دارالکتاب العربی، ج ۱، ص ۱۶۸ و ۱۷۳ و ۱۷۴، ج ۳، ص ۱۸۵ و ۲۷۳.

در این مورد اشکالات زیر وجود دارد و ادعای ناقد محترم صحیح نیست:

۱ - حمل معنای واو بر «او» خلاف ظاهر است و کثرت روایات «مسیر یوم» نمی تواند دلیل و قرینه ای بر این حمل باشد. در هر حال چنین حملی، دلیل می خواهد.

۲ - بیان شده که: «کاروان ها در انتخاب روز یا شب برای حرکت متفاوت بودند». اولاً این ادعا دلیل می خواهد، ثانیاً حرکت عموم کاروان ها ملاک است، نه بعضی از کاروان ها. اگر بر فرض «واو» به معنای «او» باشد، روز و شب خصوصاً در فصل های تابستان و زمستان به یک اندازه نیست تا حرکت روز و شب یکسان و معادل هم باشند؛ مثلاً در ۱۴ ساعت روشنایی روز تابستان ها همان مقداری می رفته اند که در ۱۰ ساعت تاریکی شب. پس عبارت «در هر صورت به یک مقدار می توانستند طی طریق کنند»، صحیح نیست.

مطلب دوم درباره تعابیر به کار رفته در این روایت است. به عقیده ناقد محترم، عبارت «مسیر یوم و لیلة» نظیر ترکیب «مسیر یوم» است، به این معنا که اگر عبارت «مسیر یوم و لیلة» در مقام بیان میزان واقعی در تشخیص مقدار مسیر است، عبارت «مسیر یوم» نیز باید همین منظور را برساند و دلیل بر این مطلب، مفهوم ظاهری آن است که در برخورد اول به ذهن مخاطب می رسد.

به نظر ما نیز روایات «مسیر یوم و لیله» و «یوم»، و «بیاض یوم» همگی دلالت بر «مقدار سفر بر حسب زمان» دارند، چنانکه در متن مقاله نیز این نکته صریحاً بیان شده است.<sup>۸</sup>

پس در این قسمت، ناقد محترم هم نظر شده اند و کلامشان نه تنها مغایر با کلام بنده نیست، بلکه همان اعتقاد و استنباط بنده را ثابت و تاکید کرده است، تنها در نحوه نگرش و جمع بندی اختلاف نظر دارند که در ادامه بررسی و ملاحظه خواهد شد.

نکته دیگری که در همین مطلب بیان کرده اند این است که «امتیازی که شغل

۸ . فقه اهل بیت (ع)، ش ۵۳، ص ۱۴۰.

یوم دارد این است که در تعارض با مسیر یوم و لیلۃ قابل جمع نیست».

اولاً چه تفاوتی بین شغل یوم و بیاض یوم و امثال اینها هست که روایت شغل یوم با روایت مسیر یوم و لیلۃ قابل جمع نیست، ولی بقیه روایات قابل جمع اند؟

ثانیاً و مهمتر، شناخت «ارتباط روایات دالّ بر بعد زمانی» و سپس نحوه جمع بندی بین آنها بر اساس قواعد اصولی است که به آن توجه نشده است.

در مقاله بیان شده که برای بعد زمانی چهار دسته روایت است که دسته چهارم کنار رفته، دسته سوم مبین دسته دوم اعلام شده و هر دو یک مضمون (مسیر یوم) دارند. حال نوع ارتباط دسته اول «یوم و لیلۃ» با دسته دوم و سوم «یوم» باید مشخص شود، آیا متعارض یا عموم و خصوص مطلق یا اقل و اکثرند؟ اگر عموم و خصوص باشند (عموم = مطلق، خصوص = مقید) آیا به گونه ای هستند که بتوان به زعم عده ای مطلق را بر مقید حمل کنیم؟ نسبت این روایات شبیه نسبت روایات مربوط به ذکر تسبیحات اربعه در رکعات سوم و چهارم است، در برخی سه بار و در برخی دیگر یک بار ذکر تسبیحات لازم شمرده شده است.<sup>۹</sup> یا در تمثیلی دیگر، اگر روایتی بگوید روز عبادت کن و روایت دیگر بگوید در شبانه روز عبادت کن، آیا میان این دو روایت تعارض وجود دارد؟

ابتدا به کلام شهید آیت ا... سید محمد باقر صدر توجه کنیم:

ان التعارض إذا لم یکن مستقراً فی نظر العرف، بل كان أحد الدلیلین قرینة علی تفسیر مقصود الشارع من الدلیل الآخر، وجب الجمع بینهما بتاویل الدلیل الآخر وفقاً للقرینة.

ونقصد بالقرینة الکلام المعدّ من قبل المتکلم لاجل تفسیر الکلام الآخر... . لأننا

یجب أن نفهم مقصود المتکلم من مجموع کلامیه وفقاً للطریقة التي یقرّها.<sup>۱۰</sup>

۹ . وسائل الشیعه، باب ۴۲ از ابواب القرائة فی الصلاة، ح ۸ و ۵.

۱۰ . دروس فی علم الاصول، الحلقة الثانية، ص ۴۵۶، چاپ جامعه مدرسین.

با این بیان و نظر به اینکه می‌دانیم تعابیر «روز» و «شبانه روز» هر دو از معصوم نقل شده است، باید ببینیم کدام یک مفسر دیگری است؟  
بر اساس صحیحہ فضل بن شاذان امام رضا(ع) می‌فرماید: «اگر در مسیر یک روز تقصیر واجب نمی‌شد، در مسیر هزار سال هم واجب نخواهد بود؛ زیرا هر روز بعدی مانند روز قبلش است، پس هر روز مثل امروز است. بنابراین اگر تقصیر امروز واجب نشود، در نظیر آن نیز واجب نخواهد شد، روزها مثل یکدیگرند و هیچ فرقی با هم ندارند»<sup>۱۱</sup>.

در این حدیث بر حسب ظاهر و الفاظ، کلمه «روز» آمده، ولی از استدلال منطقی امام رضا(ع) فهمیده می‌شود که منظور از روز، «شبانه روز» است؛ چرا که فرموده «هر روز بعدی مانند روز قبلش است» و نیز فرموده: «روزها مثل یکدیگرند و هیچ فرقی با هم ندارند». آیا همه شبانه روزها (۲۴ ساعت) مثل هم و به اندازه هم اند یا همه روزها که در بعضی ایام ۱۰ ساعت و در بعضی ایام ۱۴ ساعت است؟ وقتی این دو دسته - روایات روز و شبانه روز - را با دلیل منطقی و استوار امام رضا(ع) در صحیحہ فضل بن شاذان کنار هم می‌گذاریم، روشن می‌شود که مقصود از «روز» در کلام شارع، همان «شبانه روز» است.

بنابراین: نه تنها صحیحہ زکریا بن آدم با سخنان ائمه مخالف نیست، بلکه مطابق استدلال منطقی امام رضا(ع) است. پس تعارضی بین این دو دسته روایت نیست و قابل جمع است. به قول مرحوم مظفر: «فی الموارد الجمع لا تعارض و فی موارد التعارض لاجمع»<sup>۱۲</sup>.

در پایان یادآوری می‌شود در مقاله «ملاک سفر شرعی» که در شماره ۵۳ مجله فقه اهل بیت(ع) به چاپ رسید، در آخر سطر دهم صفحه ۱۴۰ عبارت «مثل حدیث شماره ۷» آمده که اشتباه بوده و «مثل حدیث شماره ۴» صحیح است.

۱۱. وسائل الشیعه، باب اول از ابواب صلاة المسافر، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۱۸.

۱۲. اصول الفقه مظفر، جزء ۳، ص ۲۳۳.